

زیر آسمان فیروزهای

محسن سیف درگذشت



● **شرق:** محسن سیف، منتقد قدیمی سینما، درگذشت. این منتقد به دلیل ابتلا به سرطان روز گذشته در بیمارستان رسول اکرم (ص) دار فانی را وداع گفت. محسن سیف در سال ۱۳۳۱ در تهران به دنیا آمد. او تحصیل‌کرده رشته کارشناسی‌ارشد علوم اجتماعی و ارتباطات بود. نگارش چندین عنوان کتاب شعر و قصه برای کودکان، مجموعه داستان، رمان، فرهنگ سینمایی، الفبای فیلم‌نامه‌نویسی و… از جمله تالیفات این نویسنده قفید است.سیف، نقدنویسی سینما را از اواخر دهه ۴۰ در مجلاتی مانند «فردوسی» و «ستاره سینما» آغاز کرد. او در دو دهه گذشته نیز با مجلاتی مانند «فیلم»، «گزارش فیلم»، «دنیای تصویر»، «صنعت سینما» و «جهان سینما» همکاری داشت.ضمنا این منتقد سینما با روزنامه «شرق» همکاری داشته و مطالب او، درج‌شده در ویژه‌نامه‌های سینمایی «شرق»، همچنان خواندنی است.قرار است پیکر مرحوم سیف در قطعه هنرمندان بهشت زهرا(س) به خاک سپرده شود، اما زمان خاک‌سپاری متعاقبا اعلام خواهد شد. روزنامه «شرق» این ضایعه دردناک را به خانواده محترم سیف، اهالی رسانه و جامعه سینمایی تسلیت می‌گوید. روحش شاد، یادش گرامی.

لوموند، پناهی و فرهادی را ۲ نماینده سینمای ایران نامید

● **شرق:** لوموند، نشریه بنام فرانسوی، از اصغر فرهادی و جعفر پناهی به‌عنوان نمایندگان سینمای ایران نام برد. این نشریه در تازه‌ترین شماره خود، دو صفحه کامل به دو سینماگر ایرانی اختصاص داده که عنوان آن «از جعفر پناهی تا اصغر فرهادی، یک جلودر دو نگاه» است. به گزارش اپلنا، این روزنامه می‌نویسد، هر دو کارگردان خرس طلایی برلین را دریافت کرده‌اند و امروز هر دو روی دیوارهای پاریس حضور دارند؛ پناهی با نمایش مجموعه آثار و نمایشگاه عکس در پمپیدو و فرهادی به مناسبت نمایش فیلم «فروشنده» که در کس هم نمایش داده شد و جایزه بهترین فیلم‌نامه و بهترین بازیگر مرد را دریافت کرد.در ادامه این مطلب آمده است: پس از مرگ عباس کیارستمی، خوانانخواه این دو نماینده سینمای کشورشان در فضای سینمای جهان هستند، اما این دو با وجود تفاوت‌های عمده‌ای با یکدیگر پرچمدار این سینما هستند. فیلم «فروشنده» به‌عنوان نماینده سینمای ایران به کمیته اسکار معرفی شده است. «فروشنده» در ایران یک‌میلیون ۲۰۰هزار نفر بیننده فقط در سینماهای تهران داشته است.پناهی نیز با وجود برخی محدودیت‌ها، به موفقیت‌های زیادی دست یافته است. تضادها و تشابهات وضعیت این دو فیلم‌ساز بیانگر وضعیت استثنایی سرزمین حاصلخیز سینمای ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است.

«مات» برنده «جایزه کیارستمی» جشنواره سائوپائولو

● **شرق:** نخستین جایزه ویژه هیأت داوران چهلمین جشنواره بین‌المللی فیلم سائوپائولو، با عنوان جایزه کیارستمی، به فیلم «مات»، ساخته صبا کاظمی رسید. «مات»، در اولین حضور بین‌المللی‌اش توانست جایزه ویژه هیأت داوران را از آن خود کند. این جایزه که به نام کیارستمی نام‌گذاری شده است، برای نخستین‌بار به جوایز این جشنواره سائوپائولو اضافه شده و طبق گفته هیأت داوران به فیلم‌هایی تعلق می‌گیرد که داستان‌سرایی‌های کلاسیک را به شکل فیلم‌سازی تجربی بسط دهند. طبق این ویژگی‌ها، جایزه کیارستمی سهم فیلم «مات» شد چراکه با راهی خلاقانه و پرخطر، ناپاسامانی دنیای مدرن را با تعدادی بازیگر شگفت‌انگیز، تنها در یک آپارتمان، واقع در تهران امروزی، در یک اجرای زنده به تصویر کشیده است.

لیلا سلیمانی و یاسمینا رضا، برنده دو جایزه مهم ادبی فرانسه‌شدند. به گزارش نیویورک تایمز، امسال هیأت داوران «گنگور» و «دونور» جوایز خود را به دو زن دادند و در این رابطه، لیلا سلیمانی مراکش–ی فرانسوی برنده جایزه گنگور و یاسمینا رضای فرانسوی– ایرانی، برنده دونور شدند.

گنگور

ددیده دشون، پاتریک رمبو، پی‌یر آسولین، پل کنستانت، ظاهر بن جلون، فرانسواز چندناگر، برنارد پیوت، اریک امانول اشمیت، فیلیپ کلودل و ویرجین دسپنتس انعامای گِروه داوری جایزه گنگور ۲۰۱۶ هستند که امسال لیلا سلیمانی را برای نوشتن رمان «ترانه شیرین»، به‌عنوان بهترین رمان‌نویس فرانسوی زبان در سال جاری شناختند.

لیلا سلیمانی پس از اعلام نام خود در رستوران «دروان»، محل حضور هیأت داوران گنگور، گفت: «من منتظر چنین چیزی نبودم. خودم را برای برنده‌نشدن آماده کرده بودم تا افسرده نشوم.»

ناشر رمان «ترانه شیرین»، انتشارات گالیمار است که از سال ۲۰۱۱ تاکنون هیچ‌کدام از کتاب‌هایش موفق به کسب این جایزه نشده بود.

آکادمی گنگور اعلام کرده که رمان لیلا سلیمانی در نخستین دور از رأی‌گیری توانسته شش رأی را از ۱۰ رأی هیأت داوران کسب کند. این در حالی است که رمان «کشور عزیز»، نوشته گائل فای، نویسنده فرانسوی–رواندایی، تنها دو رأی اعضا را به دست آورد. موضوع این رمان، کشتار روآندا در سال ۱۹۹۴ است.

اعضای آکادمی گنگور ۱۶ رمان را در مرحله مقدماتی به‌عنوان نامزد دریافت این جایزه معتبر فرانسوی اعلام کرده بودند: ناتاشا آیپانا برای «مدار خشونت»/ از انتشارات گالیمار– متین آردیتی برای «کودکی که جهان را اندازه گرفت»/ از انتشارات گراسه– مجید شرفی برای «بخش گُلی من»/ از انتشارات آکت دوسود– کاترین کوسه برای «دیگری پرستش می‌شد»/ از انتشارات گالیمار– ژ. بایتیس دل‌آمو برای «یادشاهی حیوانات»/ از انتشارات گالیمار– ژان پل دوویی برای «جانشینی»/ از انتشارات اولیویه– گائل فای برای «سرزمین کوچک»/ از انتشارات گراسه– فردریک گروس برای «تسخیر»/ از انتشارات آلبین میشل– ایوان یابلونکا برای «لوتیتیا یا پایان انسانیت»/ از انتشارات سویی– رژی گوفره برای «آدم‌خوارها»/ انتشارات سویی– لوک لانگ برای «در آغاز روز هفتم»/ از انتشارات استوک– لورن موونیه برای «ادامه‌دادن»/ از انتشارات مینوبی– یاسمینا رضا برای «بابل»/ از انتشارات فلاماریون– لیلا سلیمانی برای «ترانه شیرین»/ از انتشارات گالیمار– رومن اسلوکومبه برای «مورد لنون سادورسکی»/ از انتشارات لافونت و کارین توبی برای «خیل‌بایی»/ از انتشارات گالیمار

مشهورترین نویسنده این فهرست، یاسمینا رضا بود



برندگان ۲ جایزه گنگور و دونور ۲۰۱۶ فرانسه

یاسمینا رضا و لیلا سلیمانی

رضا آشفته

که به کتاب جدیدش «بابل» که سال ۲۰۱۶ منتشر شده، در این فهرست جای داشت که به مراحل بعدی راه نیافت. این رمان با امتیاز ۳٫۱۴ از پنج امتیاز از سوی منتقدان روبه‌رو شده بود و به روایت داستان یک زن و شوهر و رابطه آنها با همسایه‌هایشان در یک آپارتمان می‌پردازد، اما آنچه از این‌ا رابطه در نهایت تأثیر می‌پذیرد از اهمیت زیادی برخوردار است. جایزه «گنگور» در سال ۲۰۱۵ به رمان «قطب‌نما»، نوشته «ماتیااس ائارد» اعطا شد. این جایزه اولین‌بار در سال ۱۹۰۳ از سوی «ژول» و «ادمون گنگور» راه‌اندازی شد. اگرچه برنده این جایزه تنها مبلغی ناچیز معادل ۱۰ یورو دریافت می‌کند، اما جایزه غیررسمی «گنگور» که فروش بالای رمان برنده را برای نویسنده‌اش به ارمغان می‌آورد، بسیار باارزش‌تر از جایزه اصلی است. گفته می‌شود اثر برنده جایزه «گنگور» بین ۳۰۰ تا ۵۰۰هزار نسخه در بازار فروش خواهد داشت.

از برندگان سرشناس این جایزه می‌توان از «مارسل پروست» در سال ۱۹۲۹، «سیمون دوبوار» در سال ۱۹۵۴ و «پاتریک مودیانو»، برنده نوبل ادبیات سال ۲۰۱۴ نام برد.

دونور

نام «یاسمینا رضا، نویسنده فرانسوی هم روز چهارشنبه دوم نوامبر، به‌عنوان برنده نهایی جایزه ادبی «دونور» اعلام شد. یاسمینا رضا که بیشتر به‌عنوان نمایش‌نامه‌نویس شناخته شده، در تازه‌ترین اثر خود به نام «بابل»، به سراع یک سوژه پلیسی رفته است. رمان «بابل» را انتشارات «فلاماریون» چاپ کرده است. امسال ریاست هیأت داوری دونور برعهده پاتریک بسون بود و فردریک بایگیدر، دومینیق بونا، ژرژاولیور شاتوریناد، ژروم گارسین، لویی گادل، فرانتس اولیور کیسبرت، کریستین گویدیسل، ژان کلود لکلزیو و ژان کریسمس پانکراتزی اعضای گروه داوری را تشکیل دادند. آدلاید دو کلرمون توتر برای کتاب «آخرین نفر ما» از انتشارات گراسه، رژی ژوفره برای «آدم‌خوارها» از انتشارات سویی، سیمون لیبرتیی برای «دختران الجزایری» از انتشارات گراسه، یاسمینا رضا برای

هنر



براساس رمان «ترانه شیرین» فیلمی هم ساخته شود. لیلا سلیمانی در این اثر موفق شده تلفیقی از یک رمان جنایی و یک «ساگای خانوادگی» به دست دهد. این رمان در فهرست ۱۰ رمان پیرفروش فرانسه قرار دارد.

«سلیمانی» ۳۵ ساله که پیش از این در حوزه روزنامه‌نگاری به‌طور جدی فعال بوده، این جایزه مهم را برای نگارش «ترانه شیرین» دریافت کرد، او که در ۱۷ سالگی مراکش را به مقصد فرانسه ترک کرده، دوازدهمین زنی است که مهم‌ترین جایزه ادبی کشور فرانسه را از آن خود کرده. داستان رمان برنده جایزه او که اثری پیرفروش است، تاکنون بیش از ۷۶هزار جلد فروش داشته که براساس داستانی واقعی به نگارش درآمده است.

این پنجمین‌بار است که در ۲۰ سال گذشته، جایزه «گنگور» به یک زن تعلق می‌گیرد. همچنین این سومین‌بار است که آکادمی ادبی گنگور از یک نویسنده فرانسوی– عرب تجلیل می‌کند. پیش از این «طاهر بن جلون» و «امین معلوف» نیز موفق به کسب این جایزه شده بودند. لیلا سلیمانی در برخی نشریات فرانسه مقالاتی هم درباره آفریقای شمالی منتشر کرده است.

یاسمینا رضا

«یاسمینا رضا» هم در این دوره برای نوشتن رمان «بابل» برگزیده جایزه دونور شد.

یاسمینا رضا در رمان «بابل» روایتی به دست می‌دهد از یک ضیافت در یک شب بارانی که با قتل زنی به دست همسرش در میهمانی به پایان می‌رسد. او که بیشتر برای نگارش دو نمایش‌نامه «خدای کشتار» و «هنر» شهرت دارد، برای کتب این جایزه «آدلاید دو کلرمون توتوره» (آخرین نفر ما)، «رژی ژافرت» (آدم‌خوارها)، «سیمون لیبرتسی» (دختران کالیفرنیا) و «لیلا سلیمانی» (ترانه شیرین) را پشت‌سر گذاشت. «رضا» از معروف‌ترین نویسندگان فرانسوی است که تاکنون جوایز «انگلساکسون»، «تونی» و «لارنس اولیویه» را کسب کرده است. از یاسمینا رضا تاکنون نمایش‌نامه‌های بسیاری ازجمله «مرد اتفاقی»، «گفت‌وگوهای پس از خاکسپاری»، «هنر» و «خدای کشتار» منتشر شده که در ایران نیز بارها از سوی کارگردان‌های بنام به صحنه آورده شده است. داوود رشیدی، پارسا پیروفر، داریوش مؤدبیان، علی سربابی و علیرضا کوшок جلالی از جمله کارگردانان ایرانی هستند که آثار یاسمینا رضا را اجرا کرده‌اند. همچنین «اندوه زرف»، «آدام ابربرگ»، «سپیده‌دم، عصر یا شب» از رمان‌های او هستند. یاسمینا رضا به‌خاطر نمایش‌نامه‌های جنجال‌برانگیزش از نویسندگان مطرح فرانسه است، اما این اولین‌بار است که یک جایزه ادبی مهم به او تعلق می‌گیرد. پیش از این رومن پولانسکی، نمایش‌نامه «خدای کشتار»، از آثار پربازتاب این نمایش‌نامه‌نویس فرانسوی را روی پرده سینماها آورده بود.

روی خوش صنعت نفت به سینما و تلویزیون

آن سوی آتش *

دو الی سه روز برای وی‌اودی خوارک فرهنگی تهیه کنند، اما در حوزه ویدئو، تعداد آثار تولیدی بالاست و همین نکته کمک‌کننده خواهد بود. خوشبختانه انجمن با وزارت ارشاد و سازمان سینمایی تعاملات سازنده‌ای دارد. همچنین همکاری با جشنواره ویدئویی «پاس» از جمله فعالیت‌های آتیفیک است و در سال هم هست که انجمن جایزه بهترین فیلم این جشنواره را اهدا می‌کند.

واقعیت این است که چنین بازدیدهایی در گسترش فرهنگ تولید فیلم‌های مستند با کیفیت بالا مؤثر خواهد بود و می‌تواند تداعی‌گر روزهایی از همکاری شرکت نفت در تولید آثار ارزشمندی همچون «موج و مرجان و خارا» باشد.

«موج و مرجان و خارا» فیلم مستند ایرانی به کارگردانی مشترک ابراهیم گلستان و آلن پندری است که در سال ۱۳۴۱ به سفارش شرکت ملی نفت ایران ساخته شد. فیلم درباره عملیاتی است که در مدت چهار سال برای توسعه منطقه نفت‌خیز کپساران و رساندن خط لوله نفت آن به خارک انجام شد. در این بازدید یک روزه، افرادی همچون حدیث فولادوند، سولماز حصاری، نفیسه روشن، نادر سلیمانی، مهدی امینی‌خواه، ارشا اقدسی، علیرضا کریم‌زاده، علی شیرمحمدی، مهدی کوهیان، بهروز افخمی، مهناز مظاهری، اکبر تحویلیان، و… حضور داشتند. همچنین در نشست مشترک با کارشناسان روابطعمومی شرکت ملی نفت درباره روند تولید آثار داستانی و مستند با موضوع صنعت نفت گفت‌وگوهایی صورت گرفت.

«بر گرفته از عنوان فیلم کاینوش عیاری

نخستین اظهارنظر وزیر جدید فرهنگ و ارشاد اسلامی:

صالحی‌امیری: وعده من سرعت و نشاط بیشتر است

جامعه فرهنگی این است که باید سرعت بیشتر و نشاط بیشتر سرلوحه اصلی وزارتخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی باشد. ما از حاشیه پرهیز داریم و براساس برنامه‌ای از پیش تنظیم‌شده اهدافمان را عملیاتی می‌کنیم». او افزود: «در حوزه موسیقی ما باید دو اصل را بدانیم، هنرمند الیومی را تولید می‌کند که باید در چارچوب مسائل عرفی و شرعی باشد، مرکز اصلی تولید موسیقی در کشور صداوسیماست و حجمی بیش از ۵۰ درصد را به خود اختصاص می‌دهد، ۲۵ درصد از موسیقی‌ها تولید مجاز هستند و کمتر از یک درصد را اجراهای زنده تشکیل می‌دهند. مسیر کنسرت در کشورمان، مسیری انحرافی است؛ موسیقی نیاز جامعه است؛ به عنوان مثال تعزیه با

شرق؛ وزیر جدید فرهنگ و ارشاد اسلامی با حضور در برنامه «تیترو» چهارشنبه ۱۲ آبان، درباره فرصت‌ها و چالش‌های مسئولیت جدیدش در پست وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: «واقعیت این است که دستگاه بزرگ فرهنگی کشور باید با یک سلسله‌مراتب منطقی اداره شود، ما نیازمند برنامه‌ای راهبردی در این پست حساس هستیم تا بتواند نیازهای این وزارتخانه را در کوتاه‌مدت و بلندمدت تأمین کند».او تأکید کرد: «ما در حوزه کتاب، کتاب‌خوانی و کتاب‌داری باید سرمایه‌گذاری کنیم، کتاب‌خوانی در ایران باید به فرهنگ تبدیل شود و صداوسیما در این زمینه نقش بسیار مهمی برعهده دارد».صالحی‌امیری ادامه داد: «وعده من به

پوم و رنگ

برگزاری نمایشگاهی مشترک از پیکاسو و کالدر

بزرگداشتی برای پدر بزرگان

نویسنده: الکسا گوتهارت
برگردان: افرا صفا



● ۳۰ سال پیش هنگامی که الکساندر روور، نوه الکساندر کالدر، مجسمه‌ساز و برنارد روئیز پیکاسو، نوه پابلو پیکاسوی نقاش، نخستین‌بار یکدیگر را در یک مهمانی شام ملاقات کردند، اصلا از هم خوششان نیامد. روور با بازیگوشی از آن شب یاد می‌کند و می‌گوید: «در آن میهمانی همه خوب بودند جز برنارد! خیلی زود متوجه شدیم که ما دو نفر آیمان در یک جوی نمی‌رویم». روئیز هم با خنده‌ای او را تأیید می‌کند. اما حالا هر دو در یک نمایشگاه مشترک که در گالری رج در نیویورک برگزار شده است، جلوی آثار از پدرپرزگانشان ایستاده‌اند. این نخستین نمایشگاه مشترک از این دو هنرمند فقید است و روور و روئیز پیکاسو آن را هم برگزار کرده‌اند. با وجود آغاز ناخوشایند و سرد رابطه‌شان، در طول سال‌های اخیر دو نفر باز شد و هنگامی که صاحب گالری رج (همسر روئیز پیکاسو) پیشنهاد یک نمایشگاه مشترک را از آثار کالدر و پیکاسو داد، بین این دو نوه دوستی شکل گرفت. الکساندر کالدر به آثار معلق، متحرک و ناپایدار مشهور است و پیکاسو را همه با نقاشی‌های نویسنش می‌شناسند. روور و روئیز نیز درست مانند پدرپرزگانشان در نگاه اول هیچ شباهتی به هم ندارند. روور فردی شاد و پرنرزی است که لباس‌های رنگی می‌پوشد و با هیجان صحبت می‌کند، درحالی‌که روئیزپیکاسو درون‌گراست و کت و شلوارهای محافظه‌کارانه‌تر را می‌پسندد و آرام صحبت می‌کند، اما در دست هنگامی که در دست پدرپرزگانشان حرف می‌زنند، شباهت‌هایشان–درست مانند شباهت‌های دو هنرمند– به چشم می‌آید. روور درحالی‌که به دو اثر اشاره می‌کند که کنار هم قرار گرفته‌اند، می‌گوید: «در دو سال گذشته ما شباهت‌های عجیب و شگفت‌آوری میان خط کاری پدرپرزگانمان پیدا کردیم». یکی از آنها اثری از پیکاسو است با نام پرتو درم رشدار (۱۹۶۴) که با خط‌های رنگی کشیده شده است. از یکی مجسمه کوچک معلقی از کالدر که با همان رنگ‌های نقاشی پیکاسو ساخته شده است. این دو اثر نقطه آغاز این نمایشگاه هم هستند. آن طور که برگزاردکنندگان تعریف می‌کنند، زمانی که روئیزپیکاسو عکسی از نقاشی را برای روور می‌فرستد، او نیز تصویر از مجسمه را برای دوستشان ارسال می‌کند که باعث یادشان همانندی بود و این همکاری دوساله می‌شود. این اثر و آثار دیگری که با هم جفت شده‌اند، شباهت‌های شگفت‌آوری را از نظر گرینش رنگ و استفاده از خط و فرم برملا می‌کنند. اما برای روور و روئیز پیکاسو این شباهت‌های زیبایی‌شناختی بهانه‌ای بود برای یافتن همگونی‌های مفهومی که آثار پدرپرزگانشان را به هم شبیه کرده بود. روور: «این شباهت‌های ظاهری در آثار باعث شد ما به دنبال گفتمان‌های مشترک درباره این دو هنرمند برویم». روئیز پیکاسو: «ما نمی‌خواستیم فقط یک کار ساده مثل جورکردن یک کت با یک پیراهن باشد. به‌همین‌خاطر است که برگزاری این نمایشگاه دو سال طول کشید. ما یک روند طولانی پژوهش و کشف آثار را پشت‌سر گذاشتیم و تلاش کردیم به تمام آثار این دو هنرمند بزرگ برخوردار بودند. این دو که روئیز پیکاسو از موقعیت ویژه‌ای برای بررسی دقیق آثار این دو هنرمند بزرگ برخوردار بودند. این دو که در دهه ۵۰ زندگی خود هستند، تمام عمر خود را در کنار آثار بزرگ پدرپرزگانشان سپری کرده‌اند، تجربه‌ای که هرکسی شانس به‌دست‌آوردنش را ندارد. همه آثاری که در گالری رج به نمایش در آمده‌اند، متعلق به خانواده هنرمندان با بنیاد آنها هستند. برخی از این آثار سلا‌ها بر دیوارهای خانه اینن دو بوده‌اند. روور: «ما با این آثار بزرگ شده‌ایم و هر روز با آنها زندگی کرده‌ایم و حالا داریم این تجربه را با هم تقسیم می‌کنیم». روئیز پیکاسو افزود: «البته از مقایسه این دو، درباره خط کاری آنها چیزهای بیشتری فهمیدیم، هم درباره شباهت‌ها و هم تفاوت‌ها». در قسمتی از نمایشگاه، طراحی آرلکوییون ۱۹۱۸ از پیکاسو قرار دارد که فیگوری است که تماماً از یک خط پرنرزی پیچ‌خورده آفریده شده. مجسمه ۱۹۲۹ کالدر با نام اکروبات که فیگوری ساخته‌شده از یک سیم تنهاست، نیز در همان جا گذاشته شده است. این دو اثر از علاقه شدید هر دو هنرمند به شکستن فیکور تا رسیدن به عناصر ساده تشکیل‌دهنده و همچنین به‌تصویرکشیدن حرکت، پرده برمی‌دارند. اما این تفاوت در برخورد با موضوع است که درباره هر دو هنرمند داستانی جالب را بیان می‌کند. روور درباره اثری از سری دلفک‌های پیکاسو می‌گوید: «پیکاسو این اثر را در ۱۹۶۳ زمانی که نوه‌اش چهار ساله بود، به او هدیه کرد. اما وقتی خانواده‌اش نقاشی را در اتاق او آویزان کردند، بچه آن‌قدر ترسیده که مجبور شدند آن را از اتاق بیرون ببرند. این اثر مهمی نیست، اما برای ما دری دیگر را بر روی شباهت‌های کالدر و پیکاسو گشود و فهمیدیم آثار هر دوی آنها آمیخته با ترس و گیجی است».روور سپس به مجسمه‌ای بزرگ و معلق از کالدر اشاره می‌کند که هم‌اندازه یک انسان خمیده است. مجسمه زایل‌بلوی دلفک پیکاسو روی زمین قرار داده شده است.